

بررسی جایگاه انصاف در دادسرای طرفین اختلاف و میانجیگری منفعتی

میثم سرحدی راد^۱ - مصطفی اربابی^۲*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

چکیده:

میانجی‌گری یکی از روش‌های حل اختلاف است که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به طرفین اختلاف در رسیدن به توافق کمک می‌کند. میانجی‌گری ممکن است به توافق طرفین نینجامد و بی‌نتیجه بماند، در صورت موفقیت در دستیابی به توافق نیز مفاد آن معمولاً از سوی خود طرفین تعیین شده است. روش تحقیق حاضر از لحاظ هدف تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی (همبستگی) است. سوال اصلی این تحقیق انصاف در دادسرای طرفین و میانجیگری منفعتی چه جایگاهی دارد. طرفین اختلاف ممکن است کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها، افراد یا هر شخص دیگری باشند که میانجیگری منفعتی را برای آنان در پی خواهد داشت. آنان می‌بایست میانجی را شخصی بی‌طرف بدانند. از نتایج به دست آمده از این تحقیق کلیه حقوق‌دانان و کارشناسان حقوقی قضایی شهرستان زاهدان و کلیه مراکز و سازمان‌های حقوقی و قضایی در جهت ارتقاء عدالت ترمیمی مبتنی بر میانجیگری دادسراها می‌توانند استفاده کنند.

واژگان کلیدی: میانجی‌گری، دادسرا، قانون ۹۲، اهداف، نظام، عدالت، ترمیم

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
maysamsarhasi@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران: نویسنده مسئول
infodutis30@gmail.com

مقدمه

عدالت ترمیمی از آخرین دستاوردهای دانشمندان علم حقوق است که مورد پذیرش اکثر نظام‌های حقوقی در دنیا واقع شده است. از نگاه عدالت ترمیمی، هدف اصلی نظام عدالت کیفری، جبران خسارت بزه دیده و احیای حقوق آن از طریق مشارکت فعال بزه دیده و جامعه و نیز بزه‌کار از طریق مذاکره و ایجاد صلح و سازش است. با توجه به اینکه نظام حقوق کیفری ایران نیز از سایر کشورها مستثنی نبوده است، در سالیان گذشته شاهد تغییرات اساسی در قوانین و مقررات خود بر اساس عدالت ترمیمی بوده‌ایم. از آخرین سیاست‌های تقنینی ایران که بر اساس عدالت ترمیمی تنظیم شده است می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری جرم اشاره نمود. می‌توان گفت که تفاوت اساسی یک فرآیند دادرسی کیفری ترمیمی با دادرسی کیفری سنتی در این است که در دادرسی کیفری سنتی نهایتاً یک نفر پیروز و نفر دیگر بازنده خواهد بود ولیکن در فرآیند دادرسی کیفری ترمیمی سعی بر آن است که بر اساس توافق طرفین به نتیجه برسند. امور راجع به میانجیگری این قابلیت را دارد که در دادسرا و یا دادگاه تحت نظر دادستان عمومی و انقلاب و یا رییس حوزه قضایی محل صورت گیرد. دادستان یا رییس حوزه قضایی می‌تواند این امر را به یکی از معاونین خود ارجاع دهد. طبق بند ب ماده ۱ آیین‌نامه میانجی‌گری مصوب سال ۹۵، شوراهای حل اختلاف یا اشخاص یا موسسات ویژه‌ای را که جهت میانجیگری تشکیل می‌شوند، می‌توانند در نقش میانجی بین طرفین دعوا وارد عمل شوند. موسسات میانجی‌گر، طبق مقررات حاکم بر موسسات غیرتجاری، تشکیل خواهند شد؛ ضمناً این امر باید در اساسنامه موسسه میانجیگر ذکر شود و صلاحیت موسسه میانجیگر برای امور میانجی، به تشخیص مقام قضایی تأیید گردد. جهت کارا بودن هرچه بیشتر میانجی‌گری، مقام قضایی می‌تواند از ظرفیت خانواده، اقوام، ریش‌سفیدان و معتمدان محل نیز همراه شورای حل اختلاف و موسسات میانجیگری استفاده نماید. زمانی که میانجی‌گر، شخص حقیقی باشد، شخص با صلاحدید مقام قضایی از بین معتمدان محل یا تحصیل‌کردگان رشته‌های متفاوت با اولویت مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق انتخاب خواهند شد. شخص میانجیگر باید دارای شرایط وثاقت، تابعیت جمهوری اسلامی ایران برای میانجی‌گری در مورد اتباع ایرانی، فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد و حداقل بیست و پنج سال تمام سن داشته باشد. در صورتی که موسسات غیرانتفاعی عهده‌دار امر میانجی‌گری شوند، هیات موسس موسسه باید واجد شرایط مذکور برای میانجی‌گری باشند و خود موسسه نیز باید مطابق قانون

ثبت و موضوع میانجی‌گری در اساسنامه آن قید شده و به ثبت رسیده باشد. کسانی که برای امر میانجیگری برگزیده می‌شوند، باید آموزش‌های لازم را جهت میانجیگری ببینند. میانجیگرها باید در خصوص مفاهیم مربوط به جرم، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی، انواع جرایم، آثار جرم و بزه‌دیده، بزه‌کار و اجتماع، روش‌های میانجی‌گری و مهارت‌های مربوط، وظایف و تکالیف میانجی‌گر، آیین رسیدگی به جرایم، چگونگی مدیریت جلسات رسیدگی به اختلافات طرفین در امور کیفری و سایر موارد آموزش‌های مورد نیاز را دریافت کنند. در پایان دوره‌های آموزشی، گواهی گذراندن دوره میانجی‌گری به شرکت‌کنندگان در دوره‌ها اعطا خواهد شد که اعتبار آن ۳ سال می‌باشد و بعد از این زمان، قابل تمدید می‌باشد. جهت ارجاع امور جزایی به میانجیگر، مقام قضایی صالح موظف است موضوع اختلاف واقع شده بین طرفین، صلاحیت، تخصص شخص میانجی میان طرفین اختلاف را مورد امعان نظر قرار دهد. در صورتی که طرفین در رابطه با تعیین میانجیگر به توافق نرسند، مقام قضایی می‌تواند رسماً اقدام به تعیین میانجی نماید. عدالت ترمیمی فرایندی است برای دیگر نمودن کسانی که دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است اقدام نمایند. عدالت ترمیمی، شیوه جدیدی در عدالت کیفری است که بر خلاف شیوه‌های سنتی، همچون عدالت سزادهنده و عدالت باز-پروری، تلاش می‌کند مسائل ناشی از ارتکاب جرم را با مشارکت فعال بزه‌دیده و جامعه محلی و نیز بزه‌کار، از طریق مذاکره و ترمیم خسارات و ایجاد صلح و آشتی حل و فصل نماید. با ایجاد شوراهای حل اختلاف به موجب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، اصلاح ذات‌البین و سعی در ایجاد صلح و سازش بین طرفین دعوی، یکی از وظایف شوراهای حل اختلاف قرار داده شده است. لذا یکی از برنامه‌های مهم این نهاد ایجاد صلح و آشتی و دوستی بین طرفین اختلاف از طریق ترمیم و جبران خسارتهای وارد شده است. مهم‌ترین اهداف تشکیل نهادهای حل اختلاف را می‌توان کاهش مراجعات مردمی به دادگستری و ایجاد صلح و سازش دانست، که برای دستیابی به این مهم نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق هست، آمارهای موجود (اعم از رسمی و نظرسنجی‌های انجام شده) حاکی از این است که شوراهای حل اختلاف در تحقق عدالت ترمیمی بعضاً دچار چالش‌هایی شده است که برخی اوقات این شوراها را از وظایف و اهداف اصلی تشکیل شوراهای حل اختلاف دور می‌کند. عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی

روش جدید اندیشیدن، هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن است. ظهور و پیدایش عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری در رویکردی جرم‌شناسی و بطور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در چند دهه اخیر است. مطابق نظر برخی از نویسندگان عدالت ترمیمی از سال ۱۹۹۰ تاکنون به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری درآمده است.

بیان مسئله

میانجی‌گری یکی از روش‌های حل اختلاف است که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به طرفین اختلاف در رسیدن به توافق کمک می‌کند. میانجی‌گری ممکن است به توافق طرفین نینجامد و بی‌نتیجه بماند، در صورت موفقیت در دستیابی به توافق نیز مفاد آن معمولاً از سوی خود طرفین تعیین شده است. طرفین اختلاف ممکن است کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها، افراد یا هر شخص دیگری باشند که میانجیگری منفعتی را برای آنان در پی خواهد داشت. آنان می‌بایست میانجی را شخصی بی‌طرف بدانند. میانجی‌گری در موضوعات مختلف مورد اختلافی کاربرد دارد، از جمله؛ مسائل تجاری، حقوقی، دیپلماتیک، کاری و خانوادگی. در میانجیگری برخلاف داوری و ارزیابی کارشناس، پذیرش نظر شخص ثالث برای طرفین الزامی نیست. بلکه کار میانجی فراهم آوردن امکان مذاکره طرفین و کشف دقیق موارد اختلاف و رسیدن آنها به بهترین راه حل ممکن است. میانجیگری بیشتر در اختلافات پیچیده‌ای که نیاز به گفتگوی غیررسمی طرفین دارد، مفید است. سرعت و هزینه کمتر میانجیگری از مزایای این روش حل اختلاف نسبت به فرایند داوری و اقامه دعوی در دادگستری است. (یوسف زاده، ۱۳۹۰)

میانجیگری از مفاهیم عدالت ترمیمی و ابداعات قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ می‌باشد که در ماده ۸۲ قانون مارالذکر اینگونه بیان شده که مقام قضایی می‌تواند در راستای رسیدن به سازش، با توافق آنان موضوع را به شورای حل اختلاف یا شخص و یا موسسه ای جهت انجام میانجیگری ارجاع دهد و مهلتی که حداثر ۳ ماه می‌باشد را برای این امر پیش بینی کرده است و این مدت فقط برای یک بار به همین میزان قابل تمدید می‌داند و در تبصره همین ماده بیان داشته که بازپرس این حق را دارد که تعلیق تعقیب و یا ارجاع به میانجیگری را از دادستان تقاضا کند در ماده ۱۹۲ بازپرس را مکلف دانسته تا میان طرفین دعوا، در صورت امکان صلح و سازش برپا کند و یا جهت میانجیگری ارجاع نماید. برخلاف دعاوی که در دادگاه

رسیدگی می‌شود و زمان و هزینه زیادی می‌برد، هزینه میانجیگری قابل مقایسه با هزینه وکیل و دادگاه نمی‌باشد و اطلاعات طرفین همواره به صورت محرمانه میان طرفین می‌ماند. امور راجع به میانجیگری این قابلیت را دارد که در دادسرا و یا دادگاه تحت نظر دادستان عمومی و انقلاب و یا رییس حوزه قضایی محل صورت گیرد. دادستان یا رییس حوزه قضایی می‌تواند این امر را به یکی از معاونین خود ارجاع دهد. طبق بند ب ماده ۱ آیین‌نامه میانجی‌گری مصوب سال ۹۵، شوراها حل اختلاف یا اشخاص یا موسسات ویژه‌ای را که جهت میانجیگری تشکیل می‌شوند، می‌توانند در نقش میانجی بین طرفین دعوا وارد عمل شوند. موسسات میانجی‌گر، طبق مقررات حاکم بر موسسات غیرتجاری، تشکیل خواهند شد؛ ضمناً این امر باید در اساسنامه موسسه میانجی‌گر ذکر شود و صلاحیت موسسه میانجی‌گر برای امور میانجی، به تشخیص مقام قضایی تأیید گردد. جهت کارا بودن هرچه بیشتر میانجی‌گری، مقام قضایی می‌تواند از ظرفیت خانواده، اقوام، ریش‌سفیدان و معتمدان محل نیز همراه شورای حل اختلاف و موسسات میانجیگری استفاده نماید. زمانی که میانجی‌گر، شخص حقیقی باشد، شخص با صلاحیت مقام قضایی از بین معتمدان محل یا تحصیل‌کردگان رشته‌های متفاوت با اولویت مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق انتخاب خواهند شد. (جعفری، ۱۳۹۳)

شخص میانجی‌گر باید دارای شرایط وثاقت، تابعیت جمهوری اسلامی ایران برای میانجی‌گری در مورد اتباع ایرانی، فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد و حداقل بیست و پنج سال تمام سن داشته باشد. در صورتی که موسسات غیرانتفاعی عهده‌دار امر میانجی‌گری شوند، هیات موسس موسسه باید واجد شرایط مذکور برای میانجی‌گری باشند و خود موسسه نیز باید مطابق قانون ثبت و موضوع میانجی‌گری در اساسنامه آن قید شده و به ثبت رسیده باشد. کسانی که برای امر میانجی‌گری برگزیده می‌شوند، باید آموزشهای لازم را جهت میانجی‌گری ببینند. میانجی‌گرها باید در خصوص مفاهیم مربوط به جرم، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی، انواع جرایم، آثار جرم و بزه‌دیده، بزه‌کار و اجتماع، روش‌های میانجی‌گری و مهارت‌های مربوط، وظایف و تکالیف میانجی‌گر، آیین رسیدگی به جرایم، چگونگی مدیریت جلسات رسیدگی به اختلافات طرفین در امور کیفری و سایر موارد آموزش‌های مورد نیاز را دریافت کنند. در پایان دوره‌های آموزشی، گواهی گذراندن دوره میانجی‌گری به شرکت‌کنندگان در دوره‌ها اعطا خواهد شد که اعتبار آن ۳ سال می‌باشد و بعد از این زمان، قابل تمدید می‌باشد. (رستمی، ۱۳۹۳)

جهت ارجاع امور جزایی به میانجیگر، مقام قضایی صالح موظف است موضوع اختلاف واقع شده بین طرفین، صلاحیت، تخصص شخص میانجی میان طرفین اختلاف را مورد امعان نظر قرار دهد. در صورتی که طرفین در رابطه با تعیین میانجیگر به توافق نرسند، مقام قضایی می‌تواند رسماً اقدام به تعیین میانجی نماید. عدالت‌ترمیمی فرایندی است برای دیگر نمودن کسانیکه دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان پذیر است اقدام نمایند. (اسکندری، ۱۳۹۴)

عدالت‌ترمیمی بر ضرر و زیان تمرکز می‌کند، درک عدالت‌ترمیمی از جرم، قبل از هر چیز این است که جرم به افراد و اجتماعات لطمه می‌زند لذا پاسخ به جرم را باید بر صدمه ناشی از جرم و اقدامات مورد نیاز جهت ترمیم زیان وارده متمرکز کرد. سوال محوری در فرایند عدالت‌ترمیمی این است که بزه‌دیده به چه چیزی نیازمند است تا بهبود یابد و خود را باز یافته تا احساس آرامش و امنیت مجدد نماید. ارتکاب جرم یا ایراد صدمه، منجر به ایجاد تعهداتی می‌شود و بزه‌کار باید: ۱- نسبت به بزه‌دیده و جامعه‌ای که از طریق ارتکاب فعل مجرمانه متضرر شده مسئول باشد. ۲- اقداماتی جهت رفع ضرر و زیان وارده انجام دهد و ۳- در دسترس دادگاه و فرایندهای اصلاحی- تربیتی قرار گیرد تا آنها تعهدات بزه‌کار را به مرحله عمل درآورند. عدالت‌ترمیمی مشارکت و مداخله را ترویج می‌کند. مشارکت و مداخله بر این است که طرفین اصلی متأثر از جرم، یعنی بزه‌کاران، بزه‌دیدگان و اعضای جامعه محلی، نقش مهمی در فرایند اجرای عدالت دارند این سهامداران نیازمند آن هستند که اطلاعاتی در خصوص یکدیگر داشته و در تصمیم‌گیری راجع به آنچه که عدالت در یک مورد خاص، حکم می‌کند درگیر باشند. (سماواتی، ۱۳۹۵)

عدالت‌ترمیمی، شیوه جدیدی در عدالت‌کیفری است که برخلاف شیوه‌های سنتی، همچون عدالت سزادهنده و عدالت بازپروری، تلاش می‌کند مسائل ناشی از ارتکاب جرم را با مشارکت فعال بزه‌دیده و جامعه محلی و نیز بزه‌کار، از طریق مذاکره و ترمیم خسارات و ایجاد صلح و آشتی حل و فصل نماید. با ایجاد شوراهای حل اختلاف به موجب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، اصلاح ذات‌البین و سعی در ایجاد صلح و سازش بین طرفین دعوی، یکی از وظایف شوراهای حل اختلاف قرار داده شده است. لذا یکی از برنامه‌های مهم این نهاد ایجاد صلح و آشتی و دوستی بین طرفین اختلاف از طریق ترمیم و جبران خسارت‌های وارد شده است.

مهم‌ترین اهداف تشکیل نهادهای حل اختلاف را می‌توان کاهش مراجعات مردمی به دادگستری و ایجاد صلح و سازش دانست، که برای دستیابی به این مهم نیازمند برنامه ریزی‌های دقیق هست، آمارهای موجود (اعم از رسمی و نظرسنجی‌های انجام شده) حاکی از این است که شوراهای حل اختلاف در تحقق عدالت ترمیمی بعضاً دچار چالش‌هایی شده است که برخی اوقات این شوراها را از وظایف و اهداف اصلی تشکیل شوراهای حل اختلاف دور می‌کند.

عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن، هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن است. ظهور و پیدایش عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری در رویکردی جرم‌شناسی و بطور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در چند دهه اخیر است. مطابق نظر برخی از نویسندگان عدالت ترمیمی از سال ۱۹۹۰ تاکنون به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری در آمده است. عدالت سزا دهنده که ناظر به جرم است و عدالت بازپرورنده که ناظر به بزهکار است و هر دو به عنوان مدل کلاسیک یا سنتی عدالت کیفری مشهور شده‌اند در دهه‌های اخیر، با ایرادهای مختلفی که متوجه کارآیی و عملکرد آنهاست روبرو هستند. عده‌ای از جرم‌شناسان و حقوقدانان، تحت تأثیر دستاوردهای عمدتاً بزه دیده‌شناسی حمایتی و فعالیتهای جنبش طرفدار حقوق زن و زنان بزه دیده، مدل «عدالت ترمیمی» را مطرح کرده‌اند. (غلامی، ۱۳۹۲)

لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین میانجیگری در دادسرا از منظر قانون ۹۲مبتهی بر اهداف نظام عدالت ترمیم رابطه وجود دارد؟ تا بدین طریق پیشنهادات علمی و عملی به مدیران سازمانها ارائه نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در میانجیگری اصل بر این است که اختلافات و نزاعها از طریق مذاکره برطرف شوند و شخص یا موسسه میانجیگر وظیفه تسهیل و مدیریت این امر را دارد و باید این امر را در کمال بی طرفی و بدون استفاده از هر نوع اجبار انجام دهد و تمامی اطلاعات طرفین را به صورت محرمانه محفوظ دارد. در صورتی که بعد از انجام فرایند میانجیگری، توافق حاصل نشود، شخص میانجی ارجاع دوباره پرونده به فرایند رسیدگی کیفری را به طرفین اطلاع خواهد داد. میانجیگر موظف است مشروح مذاکرات و گفتگوهای واقع شده میان طرفین را مشروحاً و بصورت خلاصه در صورت-

مجلس قید و امضای طرفین برساند و در صورت امتناع هر یک از طرفین از امضا، در صورت- مجلس قید نماید. نظارت بر امر و اقدامات میانجیگری تحت نظر همان مرجع قضایی ارجاع کننده امر به میانجیگری می‌باشد و در صورتی که طرفین در جلسات میانجیگری حاضر نشوند و میانجیگر عدم حضور و عدم امکان برگزاری جلسه میانجیگری را در گزارش خود بیاورد، مقام قضایی ارجاع دهنده به میانجیگری، قرار را لغو و شروع به رسیدگی می‌نماید. (افتخار، ۱۳۹۴)

به کارگیری اندیشه عدالت ترمیمی از الگوهای پیش روی «سیاست جنایی» امروز است. ناکامی‌های «سیاست کیفری» برای حل معضل جرم، خلأ فکری ایجاد کرد که طرفداران عدالت ترمیمی با بهره‌گیری از این فرصت سعی در جایگزینی و یا دست کم ترویج اندیشه‌ها و برنامه- های عدالت ترمیمی در مقابل اندیشه عدالت کیفری نمودند. طرفداران عدالت ترمیمی معتقدند که «تحقق عدالت» برای بشر امروز، بیش از آنکه وابسته به «کیفر بزه کار» باشد، به التیام درد و رنج بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم جرم وابسته است و لازمه التیام بسیاری از آلام روحی و روانی بزه دیدگان، مشارکت و سهم بخشیدن به آنان در فرایندهای عدالت است. این پژوهش در ابتدا به تعریف عدالت ترمیمی، مدلها و تاریخچه عدالت ترمیمی می‌پردازد. سپس با بررسی حقوق کیفری ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و فقه امامیه که به یقین متأثر از سنت‌های ملی و مذهبی فراوانی بوده است به اندیشه‌ها و یا برنامه‌های عدالت ترمیمی توجه دارد. اما این جستجو پیش از آنکه ما را به مصادیق عدالت ترمیمی برساند، ما را متوجه نقاط قوت و ضعفی می‌کند که به دلیل حاکمیت نگرش کیفری به موضوعات جنایی، تاکنون مورد توجه و استفاده قرار نگرفته است. در قانون مجازات اسلامی ایران و فقه امامیه نه تنها به ندرت می‌توان شاهد فرایندهایی با ویژگی‌ها و معیارهای لازم در عدالت ترمیمی بود، بلکه هنوز از جریان قبلی جرم شناسی یعنی «بزه دیده شناسی حمایتی» نیز تأثیر نپذیرفته‌ایم. اما با این حال، نظام عدالت کیفری ایران و زیرساخت‌های شرعی آن از ظرفیت های بالقوه ترمیمی بالایی نسبت به دیگر نظام‌های عدالت کیفری برخوردار است که این امکان را فراهم می‌کند تا از اندیشه‌ها و فرایندهای عدالت ترمیمی بهره‌بردار. با این وجود، تخصصی و فنی بودن هدایت فرایندهای عدالت ترمیمی برای دستیابی به اهداف آن، موجب شده که تا کنون آشنایی لازم در «بعد تقنینی» و نیز ابزار لازم در «بعد اجرایی» فراهم نشده باشد. امید است با درک ظرفیت‌های موجود و معرفی استانداردها و معیارهای عدالت ترمیمی، بتوانیم رویه‌های عدالت ترمیمی را به عنوان جایگزینی در کنار حقوق کیفری جهت استفاده

سیاست‌گذاران جزایی قرار دهیم. از جمله جلوه‌ها و برنامه‌های عدالت ترمیمی، می‌توان به میانجی‌گری، جلسات گروهی خانوادگی، حلقه‌های اصلاح و سازش و سازوکارهای جبران خسارات دولتی قربانیان اشاره کرد. در همه این روش‌های جایگزین دادگاه کیفری رسمی، «قاعده ارتباط» رعایت می‌شود؛ بدین معنا که کلیه کسانی که مورد توجه و احترام بزه دیده و بزه‌کارند و نقش مؤثری در جبران خسارت و بازپذیری اجتماعی آنها ایفا می‌کنند، در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت می‌نمایند. نشست اعضا در این برنامه‌های جایگزین دادگاه، اصولاً غیررسمی است و با ساختار فعالیت دادگاه‌ها بر اساس تشریفات قوانین آیین دادرسی کشورها متفاوت است. اگر چه عدالت ترمیمی بزرگترین تغییر پارادایم در تحولات قرن اخیر جرم‌شناسی و سیاست جنایی به شمار می‌رود، اما با چالش‌های فلسفی و کاستی‌های کاربردی فراوانی رو به روست. در ادامه، پس از ذکر توصیفی و تحلیل اهم منابع قرآنی و روایی برگرفته از قرآن که حاوی آموزه‌های ترمیمی است، رفع ایرادهای وارد بر گفتمان غربی از رهگذر غنای آموزه‌های اسلامی با محوریت قرآن کریم امکان‌سنجی خواهد شد. (درویشی، ۱۳۹۴)

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی اجازه دیدار داوطلبانه بزه دیده با بزه‌کار مبتنی بر اهداف نظام عدالت ترمیمی.
- ۲- بررسی و تشویق بزه‌کار برای واقف شدن به جرم و عوامل وارد ساختن آسیب و مسئولیت‌پذیری در قبال جرم مبتنی بر اهداف نظام عدالت ترمیمی.
- ۳- بررسی و برنامه‌ریزی برای جبران خسارت توسط بزه دیده و بزه‌کار مبتنی بر اهداف نظام عدالت ترمیمی.
- ۴- بررسی افزایش آگاهی مجرم در مورد تاثیر رفتار مجرمانه او و احساس مسئولیت در قبال آن مبتنی بر اهداف نظام عدالت ترمیمی.
- ۵- بررسی و متعهد ساختن سیستم حمایت از بزه‌کار برای اصلاح رفتار او مبتنی بر اهداف نظام عدالت ترمیمی.
- ۶- بررسی و اجازه دادن به بزه دیده و بزه‌کار برای برخورداری از حمایت جامعه مبتنی بر اهداف نظام عدالت ترمیمی.

سوابق مربوط به موضوع تحقیق

رضانی و همکاران (۱۳۹۲) این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین متغیرهای احساس

انسجام و عملکرد شغلی با میانجیگری راهبردهای مقابله و سلامت عمومی انجام شد. این پژوهش از نوع همبستگی است. روش نمونه‌گیری پژوهش تصادفی ساده بود. از پرسشنامه‌های احساس انسجام فلسنبرگ، عملکرد شغلی پاترسون، راهبردهای مقابله‌ای بلینگز و موس و سلامت عمومی GHQ به عنوان ابزار پژوهش استفاده گردید. نمونه مورد پژوهش ۲۴۴ نفر از کارمندان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال ۸۹ بود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که احساس انسجام هم به واسطه راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار و مساله مدار و سلامت عمومی و هم به طور مستقیم با عملکرد شغلی رابطه دارد. به عبارت دیگر احساس انسجام از طریق راهبردهای مقابله‌ای و سلامت عمومی به عنوان میانجی، می‌تواند تاثیرگذاری بیشتری بر عملکرد شغلی داشته باشد.

روش گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری ادبیات نظری از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه کارکنان دادسرا شهر زاهدان تشکیل می‌دهد. که متشکل از ۲۱۰ نفر می‌باشند. حجم نمونه طبق جدول گرسی و مورگان برابر ۱۳۶ نفر تخمین زده شده که بر اساس روش تصادفی ساده به این تعداد افراد پرسشنامه پخش گردیده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد میانجیگری در دادسرا از منظر قانون ۹۲ مبتنی بر اهداف نظام عدالت ترمیم استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به موضوع پژوهش و روش مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود به طوری که در آمار توصیفی از جدول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، واریانس و در آمار استنباطی از آزمون متناسب با داده‌ها همچون تحلیل واریانس، گروه‌های همگن، متغییر تعدیل کننده با استفاده از نرم افزار spss استفاده خواهد شد.

حوزه فعالیت میانجیگران

سالیان درازی است که نهاد داوری به عنوان مصلح و سازشگر دعاوی تجاری و حقوقی در اکثر نظام‌های حقوقی در جهان فعالیت می‌کند. داوران با توجه به شرایطی که طرفین در تعهدات خود قرار داده‌اند، مناسب‌ترین شیوه را به منظور رفع تعارض و رسیدن به بیشترین سود برای

هر دو طرف انتخاب می‌کنند. طرفین می‌توانند با انتخاب داور یا حتی گروهی از داوران با توافق یکدیگر، از این شیوه سریع و کم هزینه استفاده کنند. علاوه بر این، امروزه در دعاوی کیفری نیز روشی نوین برای سازش توسط میانجیگران به کار گرفته می‌شود. میانجی‌گران سعی دارند تا قربانی جرم به بالاترین میزان ترمیم و جبران زیان برسد. در این روش، جنبه عمومی جرم رنگ می‌بازد و این قربانی جرم است که متضرر اصلی ارتکاب فعل غیرقانونی و صاحب اختیار دعوی کیفری است و مصالح اوست که معیار نحوه جبران زیان تلقی می‌شود. در این راستا در کشورهای مختلف قوانین و مقررات متخلفی در مورد میانجی‌گری تدوین و تصویب شده است. در ایران نیز در آخرین تحولات قانونی در قانون آیین دادرسی کیفری، میانجیگری به عنوان یکی از طرق حل و فصل دعاوی کیفری معرفی شده است. در همین راستا نیز آیین‌نامه‌ای برای ساماندهی به این روش تدوین یافت که به اختصار به آن خواهیم پرداخت. (کریمی، ۱۳۹۵)

انتخاب میانجی‌گر و شرایط آن

ماده ۷- میانجی‌گر می‌تواند از میان معتمدان محلی یا دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف با اولویت مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق انتخاب شود.

ماده ۸- مقام قضایی می‌تواند موضوع کیفری را به مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد در این صورت مسئول مؤسسه مزبور در قبال امر میانجی‌گری به قاضی مربوط پاسخگو می‌باشد.

ماده ۹- فهرستی از اشخاص واجد صلاحیت میانجی‌گری در هر حوزه قضایی توسط رئیس حوزه قضایی محل تهیه می‌گردد. تهیه این فهرست صرفاً جهت تعیین اولویت بوده و مانع از ارجاع امر میانجی‌گری به سایرین نمی‌باشد.

ماده ۱۰- احراز صلاحیت میانجی‌گر پس از توافق طرفین با مقام قضایی رسیدگی‌کننده می‌باشد. میانجی‌گرها باید از میان کسانی انتخاب شوند که دارای شرایط مشروح زیر باشند:

الف- دارای وثاقت ب- تابعیت جمهوری اسلامی ایران برای میانجی‌گری در مورد اتباع ایرانی
پ- نداشتن سوء شهرت ت- دارای حداقل ۲۵ سال تمام شمسی. (سمیعی، ۱۳۹۵)

عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی فرآیندی است، برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص

دارند، تا آنجا که امکانپذیر است تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور، به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است، اقدام نمایند». در دیدگاه ترمیمی بزهکار نسبت به بزه دیده پاسخگو می‌باشد و جامعه بیشتر از جرم متاثر می‌گردد و نه دولت. شناسائی جایگاه بزه دیده جهت درک صدمه و لطمه وارده به وی و نیز تعیین اینکه چه اقدامی می‌تواند چنین صدماتی را ترمیم کند، امری ضروری می‌باشد. پاسخگویی بزهکار در قبال جرم ارتكابی به عنوان پذیرفتن مسئولیت ناشی از جرم و اقدام جهت ترمیم صدمات حاصله از جرم، تعریف می‌شود. بیش از صد سال از قانونگذاری در ایران می‌گذرد. در طول قرن گذشته، اجرای عدالت کیفری در ایران همواره در فراز و نشیب بوده است. بخشی از مهمترین چالش‌های اجرای عدالت کیفری در ایران ناظر بر فرآیند دولتی و رسمی کردن آن در مقابل ایجاد و تاسیس نظام رسمی عدالت کیفری بوده است. لیکن مطالعه صد سال قانون گذاری در ایران نشان می‌دهد، در چالش حاکمیت یا عدم حاکمیت قانون، به هر حال دولت، سهم اساسی و منحصر به فردی از اجرای عدالت در امور کیفری را از آن خود کرده است. این امر به ویژه با وضع و اجرای قانون ناظر بر اجرای عدالت کیفری؛ یعنی قانون اصول محاکمات جزایی، محقق شده است. بدین ترتیب با ایجاد ساختار رسمی اجرای عدالت کیفری در قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۸۹ و اصلاحات بعدی آن و وضع قانون جزایی ماهوی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحات بعدی آن فرآیند دولتی شدن، تعریف، تعیین قلمرو و تشخیص کیفیت اجرای عدالت کیفری توسط دولت و میزان سهم و نقش بزه دیدگان از جرم در هر کدام از مراحل تعقیب، تحقیق و اجرای عدالت جزایی معین شده، در نتیجه در طول حدود صد سال اجرای رسمی عدالت کیفری، به لحاظ شکلی، اجرای عدالت متاثر از الگوی کلاسیک مبارزه و مخاصمه و نقش آفرینی دولت بزهکار در فرآیند رسیدگی کیفری و به لحاظ ماهوی تعریف و تشخیص عدالت کیفری متاثر از نقش بی‌رقیب دولت و تعیین جرایم و مجازات‌ها بوده است. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق اهمیت این دیدگاه در این است که اعتقاد دارد ارتكاب بزه در درجه اول به بزه دیده ضربه وارد می‌آورد و آنچه در درجه اول اهمیت دارد، جبران خسارت‌های مادی، معنوی، روانی و عاطفی وارد شده بر او است.

میانجیگری راهکاری نو در دادرسی های کیفری

تجربه نظام عدالت کیفری سنتی و اعمال ضمانت اجراهای قهری صرف، ثابت کرد که امنیت

فردی و اجتماعی در قبال افراد بزهکار، فقط از طریق جرم انگاری و وضع پاسخ‌های قهرآمیز (مجازات) محقق نمی‌شود. بلکه برای حصول نتایج مطلوب از یک نظام عدالت کیفری کارآمد، ضروری است که شهروندان نیز در جریان دادرسی‌های کیفری مداخله کرده و شرکت داده شوند. تاریخ حقوق حکایت از آن دارد در دورانی که هنوز دولت به معنی امروزی آن تشکیل نشده و اداره امور زندگی اجتماعی تحت اراده و ید نهادهای حاکمیتی نبود، این خود مردم بودند که به صورت خود جوش و گاه نیمه سازمان یافته نسبت به حل و فصل امور و دعاوی مابین خویش اقدام می‌کردند، اما با تشکیل دولت و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی، بسیاری از امور از جمله امور مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی و واکنش در قبال پدیده‌های ضد اجتماعی، در صلاحیت انحصاری دولتها قرار گرفت و حدود مداخله مردم بخصوص در زمینه پاسخ به پدیده مجرمانه به شدت محدود شد. بدین ترتیب تا نیمه نخست سده بیستم، این دولتها بودند که با تنظیم روش‌های سرکوبگر کیفری به مقابله با بزه و بزهکاری می‌پرداختند؛ اما پس از آن و بتدریج در نتیجه تحول اجتماعات سیاسی به سمت و سوی حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و در نتیجه افزایش مشارکت‌های مردمی در قلمروهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... مشارکت شهروندان به قلمرو امور قضایی نیز تسری پیدا کرد و بدین ترتیب نقش مردم و شهروندان علاوه بر تعیین نمایندگان قوای مقننه که موثر در امر قانونگذاری و جرم انگاری بود، به مشارکت آنان به انحای مختلف در پاسخ به پدیده مجرمانه نیز توسعه یافت و در قالب دستاوردهای علوم جنایی، عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» بدان اطلاق شد. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل‌نگرانی‌های مشروع در راستای بالا بردن کارایی، به معنای آن است که امروزه پیشگیری و سرکوب بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شود و دولت تنها مرجع انحصاری برای واکنش در قبال پدیده مجرمانه نیست. با این حال نکته اساسی آنجاست که مداخله شهروندان در فرآیند تحقق عدالت کیفری به تنهایی نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت بلکه مشارکت یا دخالت شهروندان در یک فرآیند کیفری مستلزم به رسمیت شناختن اقدام‌ها و تلاش‌های مردم یا سازمان‌های مردم نهاد توسط دولت است.

در همین راستا در برنامه نخست توسعه قضایی، به مواردی همچون ضرورت کاهش تصدیگری حکومت در حوزه قضا، افزایش میزان مشارکت شهروندان، توجه به حقوق و آزادی‌های فردی و نبود محدودیت‌های غیرضروری، متناسب سازی پاسخ به جرم با نوع جرم ارتكابی و استفاده

از نهادهای شبه قضایی و کاهش توسل به مراجع قضایی توجه ویژه‌ای شد که نتایج آن را به صورتی ملموس می‌توان در قانون آئین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) مشاهده کرد. در واقع قانون آئین دادرسی کیفری جدید با رویکردی تازه، ضمن به رسمیت شناختن حوزه مشارکت شهروندان در فرآیند عدالت کیفری، نسبت به توسعه آن نیز اقدام کرده و تمایل بیشتری به سمت و سوی سیاست جنایی مشارکتی پیدا کرده است.

این قانون، رویکرد قوانین سابق را در دولتی بودن فرآیند دادرسی کیفری متحول کرده و مشارکت دادن شهروندان و نهادهای جامعه را در جریان دادرسی‌های کیفری تا حدودی پذیرفته است. به علاوه در مواردی نیز با مورد توجه قراردادن آموزه‌های عدالت ترمیمی شرایط مداخله شهروندان و نهادهای مردم نهاد را در امر دادرسی کیفری فراهم کرده است. از جمله آموزه‌های جدید سیاست جنایی مشارکتی که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید به رسمیت شناخته شده، میانجیگری کیفری است. این تاسیس علاوه بر آنکه یکی از جلوه‌های مهم عدالت ترمیمی (به معنی ترمیم خسارات و آثار ناشی از جرم توسط بزهکار) است، یکی از روش‌های مرسوم قضاوتدایی نیز محسوب می‌شود.

تحلیل و بررسی کلی

از جمله مسئولیت‌های واحد بزه‌دیدگان دیوان، تضمین حفظ رازداری از سوی تمام کارکنان، در کلیه مراحل است. نظم و تقسیم‌کاری که دیوان از طریق ایجاد واحدهای فرعی و مستقل با مسئولیت‌های مجزا در این زمینه دارد، موجب تأمین بهتر حقوق بزه‌دیدگان و نیز جلب اعتماد آنان می‌شود. در رویه قضایی دیوان پذیرفته شده است که افشای هویت بزه‌دیده مشارکت کننده، برای طرفین دعوا ضرورت ندارد و قضات با توجه به شرایط هر دعوا، اقدامات لازم را برای عدم ایجاد لطمه به حقوق متهم اتخاذ خواهند کرد. در ماده ۴۰ ق.آ.د.ک، افشاء اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. طبق ماده ۱۰۱ ق.آ.د.ک این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی و سایر مراحل رسیدگی نیز به رسمیت شناخته شده است.

تصمیم‌شکلی مقام قضایی مبنی بر توقف تعقیب آن هم به دلیل وجود جهات سقوط دعوی را قرار موقوفی تعقیب کیفری می‌نامند. این قرار که به کنارگذاری دعوی کیفری می‌انجامد برای نخستین بار در قانون اصول محاکمات جزایی ۱۳۹۰ پیش‌بینی شده بود. به موجب بند ب ماده

۱۳ ق.آ.د.ک، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت از موارد موقوفی تعقیب شناخته شده است. بدیهی است، شدت جرائم در صلاحیت دیوان؛ این جرائم را از زمره جرائم قابل گذشت خارج ساخته است؛ بنابراین گذشت شاکی نمی‌تواند موقوف کننده تعقیب قلمداد گردد.

در پرتوی نهاد ترک تعقیب، مقام قضایی می‌تواند پس از درخواست بزه‌دیده و احراز سایر شرایط تعقیب دعوای کیفری را ترک کند به موجب ماده ۷۹ ق.آ.د.ک، در جرایم قابل گذشت، شاکی تا قبل از صدور کیفرخواست می‌تواند درخواست ترک تعقیب نماید. تغییری که از سوی تدوین کنندگان ق.آ.د.ک نسبت به ق. آ. د. ک سابق صورت گرفته است، این است که تعقیب مجدد متهم از ناحیه شاکی صرفاً برای یک بار تا یک سال از صدور قرار ترک تعقیب امکان‌پذیر است، بدیهی است محدودیت‌های ذکرشده با توجه به اهمیت فصل خصومت و قلع ماده نزاع و زدایش هراس، تشویش و اضطراب حاصله از این اهرم فشار بر متهم، در مجموع یک نوآوری مثبت محسوب می‌گردد. در مجموع صدور قرار ترک تعقیب، به شیوه‌ی اشاره شده در قانون، یک فرایند ستودنی نیست و ایرادهای فراوانی بر آن وارد است؛ با وجود این، با محدود کردن دفعات تعقیب مجدد و انحصار آن به مدت یک سال تا حدی ضعف قوانین گذشته جبران شده است. به دلیل اشاره شده در بند پیشین، امکان ترک تعقیب برای بزه دیده در دیوان وجود ندارد.

نتیجه گیری

در تمام جرایم قابل گذشت و جرایمی «میانجیگری» لایحه آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۲ موضوع که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موثر در تخفیف مجازات است را مطرح نموده است شق اول ماده میانجیگری کیفری جامعوی و شق دوم ماده ۸۲ جامعوی- دولتی می‌باشد. در صورت توافق بر میانجیگری و تحقق آن، در جرایم غیرقابل گذشت تعقیب تعلیق می‌شود و در جرایم قابل گذشت قرار موقوفی صادر می‌شود. این امر موجب می‌شود متهمان و کسانی که برای اولین مرتبه مرتکب جرم شوند از برچسب مجرمانه رهایی یابند و در همان دادسرا در صورت فقدان شاکی خصوصی و یا گذشت او با هم توافق کنند و دیگر مسئله به دادگاه کشیده نشود و زمینه برای برگشت او به جامعه فراهم شود و همچنین باعث کاهش حجم پرونده‌ها

می‌شود و در مورد بزه دیده باعث می‌شود زودتر به خواسته خود برسد و هزینه‌های او را کاهش می‌دهد.

استقلال میانجیگری کیفری از قوه قضاییه، تمام اختیار و تسلط آن در دست جامعه محلی است. بنابراین ظرفیت عدالت ترمیمی در جامعه کامن لا بالا است. (مقام قضایی هم نظر شورا- های میانجیگری کیفری را قبول دارد) هم اکنون طبق آمارهای موجود بیش از ۳۱۳ انجمن و نهاد و سازمان در آمریکا به عرضه خدمات میانجیگری می‌پردازند. شمار این نهادها در اروپا بیش از ۸۰۰ برنامه و طرح و نهاد بالغ می‌شود که از این میان حدود ۴۰۰ برنامه و طرح در آلمان و ۱۳۰ برنامه و طرح در فرانسه و ۴۴ طرح در نروژ ۴۳ طرح و برنامه در انگلستان فعال می‌باشد. علاوه بر اروپا، مدل‌های میانجیگری در کشورهای نیوزلند، استرالیا، ژاپن، آفریقای جنوبی نیز به خوبی شناخته شده و به اجرا در می‌آیند.

منابع فارسی

کتاب

- اسکندری، امیرمحمد (۱۳۹۴)، بررسی نقش تکمیلی روش‌های حل اختلاف جایگزین در حل و فصل دعاوی (ADR)، کانون وکلا شماره ۱۹۱
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳)، مبسوط ترمینولوژی حقوقی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش
- درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۲)، شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، چاپ اول، تهران، نشر میزان
- رستمی، ولی (۱۳۹۳)، مشارکت مردم در فرآیند کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۹۵)، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه بینه
- غلامی، حسین (۱۳۹۲)، عدالت ترمیمی، چاپ چهارم، تهران، سمت
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، چاپ اول، نشر میزان
- یوسف‌زاده، مرتضی (۱۳۹۰)، حقوق کارشناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات یادآوران

مقالات

- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۹۴)، تحولات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران، نشریه حقوق، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۷ و ۲۸
- حسین غلامی، رستمی غازی (۱۳۹۲)، زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۴
- درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۴)، شیوه‌های جایگزین یا غیرقضایی حل و فصل اختلافات، نشریه حقوق قضاوت، شماره ۳۲
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره‌های نهم و دهم، پاییز و زمستان
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، رویکرد جرم شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مجله تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۱۳ و ۱۴